

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
AWARD
Case Nos. 37 and 231
Chamber One

ی شماره ۳۷ و ۲۳۱

شعبه یک

حکم شماره ۱-۲۳۱/۳۷-۲۲

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
197

English version

Filed on 11 APR 1986

نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۵

ثبت شده است.

پرونده شماره ۳۷

فورموست تهران، اینک.، فورموست شهر، اینک.،

فورموست ایران کورپ.، فورموست فودز، اینک.،

فورموست مک - کسون، اینک.،

اورسبز پرایوت اینوستمنت کورپوریشن ("اوپیک")،

خواهانها،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی،

سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی،

شرکت سرمایه گذاری ملی ایران،

بانک صنعت و معدن (بعنوان جانشین بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران)،

بنیاد مستضعفان، شرکت سهامی لپنیات پاستوریزه پاک،

خوانندگان.

پرونده شماره ۲۳۱

فورموست تهران، اینک.، فورموست شهر، اینک.،

فورموست ایران کورپ.، فورموست فودز، اینک.،

فورموست مک - کسون، اینک.،

خواهانها،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی،

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED

Date 11 JUN 1986 تاریخ
1365 / 3 / 21
37 شماره

DUPLICATE ORIGINAL

نسخه برابر اصل

سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، شرکت سرمایه گذاری ملی ایران،
 بانک صنعت و معدن (بعنوان جانشین بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران)،
 بنیاد مستضعفان، بانک مرکزی ایران، شرکت سهامی لهنیات پاستوریزه پاک،
 خواندگان.

حکم

حاضران:

از طرف خواهانها: آقای مارک آر. جوئلسن

خانم سیدنی کس

آقای لئونارد وان سندیک

وکالی خواهان

آقای ریچارد استرن

وکهل اوپیک

آقای سایین فلیس

آقای لئونارد ام. پاترسن

نمایندگان فورموست - مک کسون، اینک.،

از طرف خواندگان: آقای محمد کریم اشراق

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران

آقای علی اکبر ریاضی

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای محسن کرهاسی

نماینده لابیات پاک

آقای یحیی علیزاده

آقای علی اکبر صالحی

مشاورین حقوقی لابیات پاک

آقای رضا عقیل آبادی

دستیار نماینده لابیات پاک

سایر حاضران:

آقای جان رینولدز

مشاور حقوقی نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا.

اول - واقعیات و اظهارات

الف - سوابق شکلی امر

در این حکم در مورد دو پرونده جداگانه تصمیم گرفته می شود. عنصر اساسی دعاوی در هر دو پرونده عبارت از مصادره ادعائی سهام متعلق به شرکت های وابسته امریکائی در یک شرکت لابیات در ایران می باشد. قسمتی از این سرمایه گذارها در مقابل خطر مصادره بیمه شده بود. یکی از این دو پرونده یعنی پرونده شماره ۳۷ مربوط به قسمت بیمه شده دعاوی و بیمه گر یکی از طرفهای دعوی می باشد. پرونده دیگر یعنی پرونده شماره ۲۳۱ حاوی قسمتهای بیمه نشده دعاوی مصادره بوده و در آن بیمه گر یکی از طرفهای دعوی نیست. پرونده دوم همچنین شامل ادعاهائی بابت نقض ادعائی قرارداد می باشد که در مورد آن بیمه ای وجود نداشته است.

با توجه به تشابه واقعیات و مسائل اساسی این دو پرونده و نظریه اینکه اکثر اطراف دعوی در هر دو پرونده حضور دارند، استماع این دو پرونده هماهنگ شد. رجوع کنید به

پاراگراف ۱ راهنمای داخلی (guidelines) دیوان داوری، که در Iran- U.S. 98 C.T.R. نیز چاپ شده است. جلسه استماع هر دو پرونده در روزهای ۱۴ و ۱۵ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۳ و ۲۴ آذر ماه ۱۳۶۲) برگزار شد و هر دو پرونده اکنون موضوع یک حکم واحد قرار داده می شوند.

یک) پرونده شماره ۳۷

در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۰) دادخواست پرونده شماره ۳۷ بوسیله فورموست تهران، اینک.، فورموست شهر، اینک.، فورموست ایران کورپ.، فورموست فودز، اینک.، فورموست. مک کسون، اینک. (که از این به بعد مجتمعا " فورموست " نامیده خواهند شد) و اورسبز پرایوت اینوستمنت کورپوریشن (" اوپیک ")، در دیوان داوری به ثبت رسید. خواهانها ادعا می کنند که ۳۱٪ سهام تعدادی از شرکتهای فورموست در شرکت سهامی لهنات پاستوریزه پاک (" لهنات پاک ")، که یک شرکت سهامی ایرانی است، مصادره شده است. خواسته این دعوی جبران خسارتی به مبلغ ۷,۰۰۰,۰۰۰ دلار بابت قسمت بیمه شده، یعنی ۶۴٪ از ۳۱٪ سهام مورد بحث است. بعلاوه، ادعائی نیز بابت مصادره دو فقره سود سهام که در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ به استثنای فورموست به سایر سهامداران پرداخت شده، مطرح می باشد. خواهانها بعنوان جبران خسارت ۶۴٪ بیمه شده سود سهام پرداخت نشده، مبلغ ۵۷۷,۸۱۴ دلار خواستارند، و بهره ادعاهای مزبور را نیز مطالبه می نمایند.

اوپیک یکی از موسسات دولت ایالات متحده امریکاست که سرمایه گذارهای خارجی اتباع ایالات متحده امریکا را بیمه می کند. به موجب حقوقی که اوپیک برطبق شرایط انتقال مشروح زیر، مندرج در دو موافقت نامه حل و فصل مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰ (۷ مرداد ماه ۱۳۵۹) و ۳ اوت ۱۹۸۱ (۱۲ مرداد ماه ۱۳۶۰) دارد و طبق آن دو موافقتنامه خسارات ناشی از سرمایه گذاری فورموست در لهنات پاک را به موجب قراردادهای بیمه مربوط

پرداخت نموده است، بعنوان یکی از خواهانهای پرونده شماره ۳۷ منظور شده است.

خواندگان این دعوی عبارتند از دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارائی، سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی ("سازمان مالی")، شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران ("نی سی")، بانک صنعت و معدن ("آی ام بی")^(۱) بنیاد مستضعفان و لهنیات پاک، و خواهانها برآنند که کلیه واحدهای مزبور را مجتعا^{*} و منفردا^{*} مسئول قلمداد کنند.

(دو) پرونده شماره ۲۳۱

پرونده دوم یعنی پرونده شماره ۲۳۱ در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۲ دی ماه ۱۳۶۰) به ثبت رسیده است. خواهانها همان شرکتهای فورموست پرونده ۳۷ بوده ولی در این پرونده اوپیک یکی از طرفهای دعوی نیست. خواندگان این پرونده عینا^{*} همان خواندگان پرونده شماره ۳۷ به اضافه بانک مرکزی ایران هستند. این دعوی متشکل از سه قسمت می‌باشد. قسمت اول که عنصر اساسی است، به همان حقایق ادعایی استناد می‌کند که اساس دعاوی پرونده ۳۷ را تشکیل می‌دهند. فورموست بابت ۳۶٪ بیمه نشده ۳۱٪ سهام خود در لهنیات پاک که حسب ادعا صادره شده، خسارتی به میزان ۳،۹۶۰،۰۰۰ دلار مطالبه می‌کند. همچنین خسارتی به مبلغ ۳۲۵،۰۲۱ دلار بابت ۳۶٪ بیمه نشده دو فقره سود سهام پرداخت نشده، مطالبه شده است. فورموست برآنست که خواندگان را مجتعا^{*} و منفردا^{*} مسئول قلمداد کند و خواستار بهره بابت دعاوی مزبور می‌باشد.

در قسمت دوم این دعوی ادعا شده که چهار فقره قراردادی که به موجب آنها لهنیات پاک ماشینهای شهرپرکنی را اجاره کرده، نقض گردیده است. از ماشینهای مزبور دو دستگاه بوسهله فورموست فودز که سابقا^{*} بنام اینترنشنال دیری اینجینیرینگ کامپنی معروف بوده و دو دستگاه دیگر بوسهله فورموست - مک کسون اجاره داده شده است. دو

(۱) جانشین بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران ("آی.ام.دی.بی.آی") و چند بانک دیگر.

شرکت مزبور تنها خواهانهای این قسمت دعوی می باشند. براساس معاسیه خسارت به روش تخییری، خواهانها اجاره بهای ماهانه پرداخت نشده ماشینها و ارزش ماشینها را که لاینات پاک نگاهداشته، مطالبه می کنند. خواهانها نخست پیشنهاد می کنند که حکمی صادر و به موجب آن اجاره بهای پرداخت نشده ماشینها تا تاریخ پرداخت قیمت آنها و همچنین قیمت ماشینها به ایشان پرداخت شود. در غیراینصورت، خواهانها پیشنهاد می کنند دیوان با صدور حکم پرداخت اجاره بهای پرداخت نشده ماشینها تا تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۴ آذر ماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخی که لاینات پاک در جواب به درخواست فورموسست موقوف به استرداد ماشینها بوده است و همچنین پرداخت قیمت ماشینها، قاعده ریگو واگنر ایکوئیپمنت کامپنی و استارلاین ایران کامپنی، حکم شماره ۳-۱۷-۲۰ (۱۵ دسامبر ۱۹۸۲/۲۴ آذرماه ۱۳۶۱)

(reprinted in 1 Iran - U.S. C.T.R. 411)

را اعمال نماید. خواه احتساب خواسته به طریق اول و خواه به طریق دوم به عمل آید، خواهانها در هر دو صورت خواستار بهره برای مبالغ مندرج در حکم می باشند.

در قسمت سوم این دعوی ادعا شده که قرارداد کمک فنی ('تی ا ا') منعقد شده بین لاینات پاک و فورموسست - مک کسون یعنی تنها خواهان این قسمت از ادعا، نقض شده است. خواهان مبلغ ۱۵۷,۰۱۳/۷۵ دلار به علاوه بهره، بابت صورتصاحبهای پرداخت نشده، پروانه علامت تجاری، حق الزحمه و مبالغ دیگری که حسب ادعا باید به موجب تی ا ا پرداخت گردد، مطالبه می کند.

قسمتهای دوم و سوم علیه لاینات پاک و نیز سایر خواندگانی که بنا به ادعای فورموسست جهت دریافت وجه از شرکت در حقوق قراردادی نامبرده مداخله کرده اند، مطرح گردیده است.

خوانندگان از چند جهت به صلاحیت ایراد دارند. در مورد هر دو پرونده، یعنی پرونده‌های شماره ۷۳ و ۲۳۱، ایشان نخست استدلال می‌نمایند که فورموست - مک کسون سهمی در لاینات پاک نداشته و بنابراین نمی‌تواند خواهان دعوای مبتنی بر مصادره باشد. خوانندگان خاطرنشان می‌سازند که در مورد همان ادعا، فورموست فودز فقط بابت ۱٪ سهمی خواهان می‌باشد که در دفتر شرکت به نام فرانک فیشر نماینده فورموست که عضو هیئت مدیره لاینات پاک بوده، ثبت شده است. بعلاوه، خوانندگان نسبت به این که فورموست فودز بتواند در مورد سهامی که به نام آقای فیشر ثبت شده است اقامه دعوی کند، اعتراض، و در این رابطه استدلال می‌کنند که طبق ماده ۴۰ قانون (اصلاحی) تجارت ایران با ثبت سهام (در دفتر ثبت سهام شرکت) مالکیت قطعی می‌شود بطوری که حتی اگر موافقتنامه‌ای هم بین آقای فیشر و فورموست فودز وجود می‌داشت، نمی‌توانست علیه شرکت و یا شخص ثالثی به مورد اجرا گذاشته شود.

خوانندگان سپس در مورد پرونده شماره ۳۷ استدلال می‌کنند که اکنون مالکیت قانونی دعوی به اوپیک واگذار شده و بنابراین شرکت های فورموست هیچگونه اهلیتی برای اقامه دعوی ندارند. آنها همچنین استدلال می‌کنند که اوپیک در اوت ۱۹۸۱ یعنی هنگامی که دومین موافقتنامه حل و فصل امضاء شد، حقوق خود نسبت به قسمتی از ادعایش را کسب نمود، و بنابراین در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) مالک آن قسمت از ادعا نبوده است (۲). خوانندگان مضافاً اظهار می‌دارند که اوپیک، که یک موسسه دولتی است، به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانه حل و فصل دعوای تبعه ایالات متحده امریکا بشمار نمی‌آید، و بنابراین طبق مفاد بند ۲ ماده دو فقط می‌تواند ادعای "ناشی از ترتیبات قراردادی بین (ایران و ایالات متحده امریکا) برای خرید و فروش کالا و خدمات" را اقامه کند و واضح است که ادعای مربوط به مصادره از نوع آن دعوای نیست.

(۲) ادعا در صورتی مشمول صلاحیت دیوان می‌شود که در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) "پارچا" بوده باشد. رجوع شود به بند ۱ ماده دو بیانه حل و فصل دعوای.

بعلاوه، خواندگان اظهار می دارند که چون فورموست از اوپیک خسارت کامل دریافت کرده دیگر ادعائی ندارد. آنها همچنین به عنوان یک مسئله مربوط به ادله، به حذف ارقام ممیزین مطالب پرداخت شده توسط اوپیک از نسخ دو موافقتنامه حل و فصل ثبت شده در دیوان داوری، اعتراض می نمایند.

لبنیات پاک که خود را یک شرکت خصوصی می خواند، استدلال می نماید که به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی یک "واحد تحت کنترل دولت ایران... نیست". بنابراین، لبنیات پاک اظهار می دارد که مشمول صلاحیت دیوان داوری نیست. نی سی و بنیاد مستضعفان نیز می گویند واحدهای تحت کنترلی که دیوان داوری می تواند در مورد آنها صلاحیت داشته باشد، نیستند.

بالاخره، خواندگان استدلال می نمایند که در قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی که پروانه سرمایه گذاری فورموست در ایران به استناد آن قانون صادر شده است، روشی برای حل و فصل اختلافات پیش بینی شده که بموجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی سالب صلاحیت دیوان داوری است.

خواهانها اظهار می دارند که نه فورموست - مک کسون و نه اوپیک طرف لازم ادعای مطروح در پرونده شماره ۳۷ نیستند. آنها اذعان دارند که خود فورموست - مک کسون هیچ سهمی در لبنیات پاک نداشته، ولی توضیح می دهند که فورموست - مک کسون بدان جهت بعنوان خواهان ذکر شده که مالک ۱۰۰٪ سهام سایر شرکتهای فورموست است و در دو موافقتنامه حل و فصل با اوپیک به عنوان طرف نام برده شده است. به عقیده خواهانها، از آنجا که اوپیک فقط دارای علائق انتفاعی است، می توانسته به فورموست اجازه دهد بعنوان مالک قانونی و مستمر، ادعا را تعقیب کند و سپس طلب خود را از فورموست وصول نماید. بنابراین، خواهانها آماده اند که از اوپیک بعنوان خواهان صرف نظر کنند.

ایشان بهر حال اظهار می دارند مبالغی که اوپیک در حل و فصل دعوی بیمه به فورموست پرداخته، ارتباطی به موضوعات این دادرسی ندارد.

خواهانها اظهار می دارند که لهنیات پاک به اعتبار تعلق اکثریت سهامش به سایر واحدهای تحت کنترل و بدلیل آنکه اکثریت اعضاء هیئت مدیره آن، نمایندگان واحدهای تحت کنترل می باشند، مطابق مفهوم بند ۳ ماده هفت یک واحد تحت کنترل است. خواهانها بالاخص ادعا می کنند که سازمان مالی، نی سی، آی.ام.بی، شرکت سرمایه گذاری بانکهای ملی ایران ("نی بیگ") و بنیاد مستضعفان تحت کنترل دولت بوده و جمعا ۵۲٪ سهام لهنیات پاک به آنها تعلق دارد و بنابراین لهنیات پاک تحت کنترل آنها است. بالاخره، خواهانها خاطرنشان می سازند که مقررات حل و فصل اختلافات که در قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی پیش بینی شده "قرارداد الزام آوری" نیست که استثنای موضوع بند ۱ ماده دو را تحقق بخشد و ادعای صادره آنها بر "قانون خاصی" که مربوط به صادره باشد، استوار نیست.

(دو) ماهیت دعوی

در سال ۱۹۵۹ گروه شرکت های فورموست در تاسیس لهنیات پاک در ایران شرکت نمود و در بدو امر ۵۰٪ از سهام آنرا در دست داشت. شرکت های مزبور ضمن موافقت نامهای جداگانه ای، به لهنیات پاک کمک فنی عرضه کرده و بدان اجازه دادند که از علامت تجاری (فورموست) استفاده کند. بعداً سهام فورموست تغییر کرده و زمانی تا ۸۶٪ رسید ولی بعداً بر اثر چند فقره فروش، سهام آن بطور قابل ملاحظه ای تقلیل یافت. در اینکه در آخر سال مالی ۱۹۷۹ فورموست ۳۰٪ سهام لهنیات پاک را در دست داشته، اختلافی نیست، حال آنکه همانطور که در فوق گفته شد، در مورد مالکیت فورموست نسبت به ۱٪ سهم اضافی ثبت شده بنام آقای فرانک فیشر، اختلاف است. از سهامی که ادعای

فورموست برآن مبتنی است، ۱۰٪ بنام فورموست تهران، ۱۰٪ بنام فورموست شهر، ۱۰٪ بنام فورموست ایران و ۱٪ بنام آقای فهشر بوده است. فورموست فودز مالک ۱۰۰٪ سهام هرپک از شرکتهای فورموست نامبرده است و بنوبه خود شرکت تابعه کلا متعلق به خواهان دیگرا، یعنی فورموست - مک کسون، می باشد.

فورموست ادعا می کند که از طریق تأمین مهارتهای مدیریت و پرسنل، منجمله شرکت در هیئت مدیره، نقش مهمی در مدیریت لجنیات پاک ایفاء نموده است.

فورموست ادعا می کند که از اواخر سال ۱۹۷۸ واحدهای دولتی ایرانی که در لجنیات پاک سهم داشتند، تصمیماتی را به مورد اجرا گذاردند که عملاً فورموست را از استفاده و انتفاع از ۳۱٪ سهم خود در آن شرکت محروم ساخت. اولاً، فورموست مشخصاً ادعا می کند که وجود جو خصمانه نسبت به اتباع ایالات متحده، پرسنل خارجی آن در ایران، منجمله آقایان فهشر و لوی شینگر را که بترتیب تا نوامبر ۱۹۷۹ مدیر عامل لجنیات پاک و مهندس ارشد آن بودند، در آخر سال ۱۹۷۸ مجبور به ترک کشور نمود. طبق ادعای فورموست، اوضاع و احوال حاکم بکلی مانع از بازگشت آقای لوی شینگر گردید، در حالیکه آقای فهشر که در خلال سال ۱۹۷۹ سه مرتبه به ایران سفر کرده بود، پس از آخرین عزیمت خود در اول نوامبر ۱۹۷۹ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۸) بازگشت به ایران را غیرممکن یافت. غیبت اجباری پرسنل فورموست شدیداً مانع از آن شد که فورموست ارزش سرمایه گذاری خود را حفظ کند. ثانیاً، فورموست ادعا می کند که با اینکه لجنیات پاک در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ سود سهام را که هر سال براساس میزان سود سال قبل محاسبه می شد، اعلام و به سهامداران ایرانی پرداخت نمود، ولی طبق تصمیم هیئت مدیره لجنیات پاک، دائر بر عدم پرداخت سود به سهامداران خارجی، از پرداخت سود سهام به فورموست امتناع ورزید. همینطور، لجنیات پاک در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ سهام جایزه‌ای اعلام و به کلیه سهامداران ایرانی توزیع نمود، حال آنکه فورموست فقط سهام جایزه‌ای سال ۱۹۷۹ را دریافت کرد و از سهام جایزه‌ای اعلام شده در سال ۱۹۸۰ چیزی بدست نیاورد.

ثالثاً ، فورموست ادعا می کند که در نوامبر ۱۹۸۰ نمایندگان دولت، آقای فیشر، یعنی یکی از دو نماینده فورموست در هیئت مدیره لهنیات پاک را عزل کردند. در همان حال نمایندگان دولت با رد نادرست وکالتنامه آقای وحدتی، که نماینده دیگر فورموست بود، از انتخاب جانشین آقای فیشر بوسیله فورموست ممانعت بعمل آورده و بنا براین فورموست را از انتخاب نماینده که طبق مقرر قانون (اصلاحی) تجارت ایران ناظر بر رای گیری مضاعف محق بود، محروم نمودند. رابعاً، فورموست ادعا می کند که آقای دکتر محسن عاملی رئیس هیئت مدیره لهنیات پاک که در استخدام دولت بود، به آقای اصغری، مدیر عامل و جانشین آقای فیشر، دستور داد تا از فرستادن حسابها، صورتحسابهای مالی یا اطلاعات دیگر به شهروندان ایالات متحده و یا ترجمه آنها به زبان انگلیسی، که قبلاً معمول بود، خودداری نماید. بالاخره، فورموست قصور لهنیات پاک را در پرداخت اجاره بها و وجوه دیگر لازم التاءدیه بموجب موافقتنامهها که قسمتهای دوم و سوم پرونده ۲۳۱ را تشکیل می دهد، به عنوان عامل موثری در مصادره ذکر می کند.

طبق ادعای فورموست در مجموع اثر این اقدامات در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۸۰ (۶ خرداد ماه ۱۳۵۹)، یعنی تاریخی که آقای اصغری تلکسی به فورموست فرستاده و طی آن تصمیم هیئت مدیره مبنی بر عدم پرداخت هرگونه وجهی به سهامداران خارجی را ابلاغ نمود، بحد مصادره رسید. فورموست با استناد به گزارش تهیه شده توسط استاندارد ریسرچ کانسالتنتس ("اس آر سی") در مورد تعیین ارزش سهام لهنیات پاک ادعا می کند که در تاریخ مزبور ارزش موسسه دایر ۳۱٪ سهام فورموست در لهنیات پاک ۱۱ میلیون دلار بوده است. در جلسه استماع، آقای کنت مک گرا، نماینده استاندارد ریسرچ مدارکی در مورد تجزیه وتحلیل مقایسه‌ای شرکتها و روش تعیین ارزشی که مورد استفاده استاندارد ریسرچ بوده، ارائه کرده و درباره ضرائبی که بکار رفته، بحث نمود.

خوانندگان انکار می کنند که لهنیات پاک تحت کنترل دولت بوده و یا اینکه واحدهائی که خواننده واقع شده و سهامدار هستند، از حق خود بعنوان سهامدار برای اعمال خط مشی

دولت استفاده نموده باشند. لابیهای پاک اظهار می‌دارد که لااقل نصف سهامی که خواهانها بعنوان سهام سازمان مالی بحساب می‌آورند در واقع به نام زارعین و کارگران یعنی کسانی ثبت شده که هدف آن سازمان، انتقال مالکیت سهام به افراد مزبور می‌باشد. طبق ادعای لابیهای پاک با اینکه سازمان مالی بابت این سهام رای می‌دهد ولی آن را صرفاً طبق موافقت نامه خرید و کارگزاری انجام می‌دهد که به موجب آن مالکیت سهام به افراد منتقل می‌شود ولی مادامیکه قیمت خرید سهام پرداخت نشده، حق رای برای سازمان مالی محفوظ می‌ماند. لابیهای پاک اظهار می‌دارد که در سالهای منتهی به دسامبر ۱۹۷۹ و دسامبر ۱۹۸۰ موسسات، بانکها و شرکتهای ایرانی ۴۱٪، شرکتهای خارجی ۳۰٪، و اشخاص حقیقی، منجمله کارگران و کشاورزان ۲۹٪ از سهام را مالک بودند.

خوانندگان مضافاً هرگونه مداخله‌ای در حقوق فورموست بعنوان یک سهامدار و یا هرگونه مصادره علایق آن را انکار می‌کنند. خوانندگان اظهار می‌دارند که احراز تحقق مصادره مستلزم وجود فرمان یا قانون خاصی است که در این پرونده موجود نیست. خوانندگان بر تمایز موجود بین مصادره و مالکیت اکثریت سهام توسط واحدهای مختلف دولتی که به عقیده آنها اساساً خصلت خصوصی بودن شرکت را تغییر نمی‌دهد، تاکید می‌کنند. آنها ادعا می‌کنند که لابیهای پاک کماکان یک شرکت خصوصی مستقل است و اختلاف موجود را اختلافی ناشی از عدم رضایت صاحبان اقلیت سهام از استفاده صاحبان اکثریت سهام از حقوق مشروع مدیریت خود توصیف می‌کنند. به عقیده خوانندگان، چنین شکایاتی باید در دادگاههای ایران مطرح شود.

لابیهای پاک ادعاهای مشخص فورموست در مورد مداخله را انکار کرده و اظهار می‌دارد که هیچیک از پرسنل فورموست از مدیریت اخراج نشده است. در مورد آقای فیشر باید گفت که وی پس از عزیمت خود در نوامبر ۱۹۷۹ با لابیهای پاک کماکان در تماس بود. لابیهای پاک اظهار می‌دارد که هیچگونه رفتار خلاف قاعده ای طی جلسات هیئت مدیره صورت نگرفته و وکالتنامه ای که در جلسه ۱۶ نوامبر ۱۹۸۰ (۲۵ آبان ماه ۱۳۵۹) مجمع

عمومی غیرقابل قبول تشخیص داده شد، صحیحاً" بی اعتبار شناخته شده، زیرا وکالتنامه مزبور به ترتیب صحیح گواهی نشده و فقط مربوط به جلسه مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۹ مهرماه ۱۳۵۹) بوده است. مشارکت فورموسست در هیئت مدیره فقط زمانی پایان یافت که فورموسست نمایندگان خود را طی تلکس مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۸۱ (اول آبان ماه ۱۳۶۰) فرا خواند و از تعیین جانشین آنها خودداری کرد.

لبنیات پاک استدلال می کند که در مورد پخش گزارشات و اطلاعیههای شرکت با کلیه سهامداران بطور یکسان رفتار شده و در این رابطه فورموسست مستحق هیچگونه امتیاز خاصی نبود. لبنیات پاک اظهار می دارد که تا سپتامبر ۱۹۸۱ اطلاعات در اختیار فورموسست قرار داده می شد. در مورد پرداخت سود سهام، لبنیات پاک اذعان دارد که مجبور بوده سود را به ریال پرداخت کند. ولی ملزم نبوده که سود سهام را به دلار تبدیل نماید. تلکس مورخ ۲۷ مه ۱۹۸۰ (۶ خرداد ماه ۱۳۵۹) آقای اصغری مبنی بر عدم پرداخت سود سهام به سهامداران خارجی بدون اجازه بوده و با اعلام آمادگی لبنیات پاک دائر به پرداخت هرگونه بدهی بابت اجاره بها و سود سهام نسخ شده است.

لبنیات پاک، به روش پیشنهادی فورموسست جهت تعیین ارزش سهام معترض بوده و اظهار می دارد که روش استاندارد ریسرچ بدانجهت اتخاذ گردیده که بالاترین رقم بدست آید نه اینکه دقیقترین نتایج حاصل شود. لبنیات پاک شکایت می کند که در روش مزبور میزان کمکهای مالی (دولت) در نظر گرفته نشده و از گزارشات حسابرسی استفاده شده که در آنها اندوختههای لازم منظور نگردیده است. لبنیات پاک گزارش آقای خاتمی عضو موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سپار را به صورت لایحه بعد از استماع تسلیم نموده که در آن روشهای دیگری جهت تعیین ارزش پیشنهاد شده است.

لبنیات پاک در مورد دعاوی مربوط به اجاره بهای ماشنها اظهار می دارد که قراردادهای اصلی "تحمیلی" و "یکجانبه" بوده و اجاره بهائی که برای مدت زمان بعد از ۱۹ ژانویه

۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) مطالبه می شود، از صلاحیت دیوان خارج است. لاینات پاک اظهار تمایل نموده اجاره بهای پنج ساله را براساس دفاتر شرکت به ریال پرداخت کند و موافقت می نماید که قیمت عادلانه ماشینها را بهر دازد ولی مبالغی را که فورموسست بابت ارزش جاری آنها برآورد کرده، نمی پذیرد و اظهار می دارد که ارزش ماشینها باید بوسیله کارشناس تقویم شود. لاینات پاک در مورد پرداخت مبالغ لازمالتادیه بموجب تی.ا.ا. مخالفتی ندارد و معتقد است که باید مبالغی را که در دفاتر آن شرکت منعکس است بهر دازد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی، نی سی، بنهاد مستضعفان، سازمان مالی آی.ام.بی و بانک مرکزی ایران توجه دعوی نسبت به خود را انکار می کنند.

کلیه طرفها هزینه های مربوط به داوری را مطالبه کرده اند.

دوم - دلایل حکم

(الف) مسائل شکلی

خوانندگان درخواست نموده اند که بعضی از مستندات خواهانها که جزو ادله کتبی ایشان تسلیم گردیده، حذف شود. از آنجا که هیچ دلیل معتبری برای حذف مستندات مورد نظر ارائه نشده است، دیوان داوری کلیه این مدارک را می پذیرد.

با توجه به تصمیم دیوان در مورد ادعای مربوط به مصادره که ذیلا درج شده است، دیوان داوری نیازی به تصمیم گیری در مورد اعتراض خوانندگان راجع به حذف مبالغ پرداخت شده بوسیله اوپیک از نسخ ثبت شده دو موافقت نامه حل و فصل نمی بیند.

(ب) صلاحیتیک - خواهانها

خوانندگان دیگر نسبت به این امر که شرکتهای فورموست مطابق تعریف بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی اتباع ایالات متحده امریکا می باشند، اعتراضی ندارند.

همانگونه که فوقاً دیده شد، خواهانها اظهار داشته‌اند که اوپیک یکی از طرفهای لازم پرونده شماره ۳۷ نبوده و از آنجا که ادعا قانوناً به فورموست تعلق دارد و می‌تواند صحیحاً توسط فورموست به تنهایی طرح شود، می‌توان اوپیک را از عداد خواهانها حذف نمود. خوانندگان استدلال می‌کنند که چون اوپیک بموجب دو موافقتنامه حل و فصل مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰ (۷ مرداد ماه ۱۳۵۹) و ۳ اوت ۱۹۸۱ (۱۲ مرداد ماه ۱۳۶۰) زیانهای ادعائی فورموست را پرداخت نموده، فورموست دیگر دارای ادعای مصادره‌ای نیست که در دیوان داوری طرح نماید. آنها اظهار می‌دارند اگر ادعائی وجود داشته باشد، چنین ادعائی به اوپیک واگذار شده است.

دیوان از مطالعه مفاد موافقت ناممهای حل و فصل به نتیجه متفاوتی می‌رسد. موافقتنامه اول که در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰ (۷ مردادماه ۱۳۵۹) منعقد گردیده، مربوط به سهم فورموست از سود سهام اعلام شده توسط لهنیات پاک در سال ۱۹۷۹ است. آن موافقتنامه مقرر می‌دارد که فورموست "کلیه علائق انتفاعی خود در سود سهام بیمه شده را منتقل نماید. ولی در عین حال، فورموست مالکیت قانونی ادعا و همراه با آن حق و تکلیف اقامه دعوی برای وصول آن را بنام خود حفظ نماید. در موافقت نامه دوم نیز که در تاریخ ۳ اوت ۱۹۸۱ (۱۲ مرداد ماه ۱۳۶۰) منعقد و مربوط به سود سهام اعلام شده در سال ۱۹۸۰ و همچنین کلیه سهام فورموست در لهنیات پاک است، شرطی درج شده که طبق آن "علاقه انتفاعی فورموست منجمله در هرگونه ادعا، اسباب دعوی و یا سایر حقوق

فورموست^۳ در رابطه با دارائی هائی که حسب ادعا صادره شده است، به اوپیک واگذار گردیده است. این موافقت نامه همچنین مقرر می دارد که:

"فورموست مالکیت قانونی کلیه اقلام فوق الذکر را حفظ و نهایت سعی خود را برای نگهداری آن به نفع اوپیک و به نهایت از طرف آن به عمل خواهد آورد، مگر آنکه ذیلاً خلاف آن مقرر شده باشد."

بدینقرار، فورموست قانوناً حق دارد برای جبران قسمت بیمه شده و نیز بیمه نشده خسارات خود طرح دعوی نماید. فورموست مالکیت قانونی کل ادعا را از تاریخ ایجاد آن تا تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) مستمراً دارا بوده و با وجود مصالحه هائی که در ضمن با اوپیک نموده، پس از آن تاریخ نیز کماکان مالک تمامی ادعا بوده است. بنابراین، دریافت مقداری خسارت بوسیله فورموست از بیمه گران خود نمیتواند تاثیری بر مالکیت ادعای آن علیه خواندگان حاضر داشته باشد.

بنظر می رسد که این نتیجه گیری با قانون حاکم بر موافقت نامه های حل و فصل یعنی قانون منطقه کلمبیا هماهنگ باشد که همانند سایر سیستم های "کامان لا" (حقوق عرفی) مقرر می دارد که بیمه گزاری که علاقه انتفاعی محدودی به بیمه گر خود منتقل می کند برای اقامه دعوی جهت جبران کلیه خسارات طرف مناسب می باشد. (۳)

باتوجه به آنچه گذشت و با در نظر گرفتن اظهارات خواهان که اوپیک یک طرف لازم دعوی نمی باشد و می توان از وی صرفنظر کرد، اوپیک از ردیف خواهانهای پرونده شماره ۳۷ حذف می گردد. همچنین، فورموست - مک کسون که خود سهامی در لهنیات پاک نداشت اما بعنوان یکی از اطراف موافقتنامه حل و فصل با اوپیک بوده، نیز از زمره خواهانهای پرونده شماره ۳۷ حذف می شود.

موضوع مقدماتی دیگر آنستکه آیا فقط ۳۰٪ یا اینکه ۳۱٪ سهام لهنیات پاک به فورموست تعلق داشت. رقم آخر نه تنها شامل سهامی است که به نام سه شرکت فورموست در دفاتر لهنیات پاک ثبت شده، بلکه تعداد ۹۱۰ سهمی را که بنام فرانک فیشر به ثبت

(۳) بعنوان مثال رجوع شود به:

American Law Institute, Restatement(Second) of Trusts §280 (1959); Stanley v. Colt, 72 U.S. (5 Wall.) 119, 168 (1867); Mobile and Montgomery Railway Co. v. Jurey and Gillis, 111 U.S. 584 (1883).

رسیده نیز در برمی گیرد. استدلال خوانندگان آنست که طبق دفتر ثبت شرکت ۹۱۰ سهم مورد اختلاف که ۱٪ سهام منتشره لہنہات پاک را تشکیل می دهد بنام فرانک فہشر ثبت گردیدہ، لذا فورموسٹ نمی تواند ادعای مالکیت این سهام را بنماید. خوانندگان بہ مادہ ۴۰ قانون (اصلاحی) تجارت ایران کہ بہ نظر آنان ثبت اسمی سهام دال بر مالکیت قطعی است، استناد می نمایند.

لیکن، در پروندہ های حاضر مدارک فراوانی موجود است کہ نشان می دهد لہنہات پاک اطلاع داشته - - و طبق این اطلاع نیز عمل می کردہ - - کہ آقای فہشر غیر از ۱۶۱ سهمی کہ شخصاً داشته، ۹۱۰ سهم مورد اختلاف را نیز بعنوان نمایندہ فورموسٹ فودز در اختیار داشته است. اول، در فہرست سهامداران لہنہات پاک، دو دستہ از سهامی کہ در اختیار آقای فہشر بودہ بطور جداگانہ بہ ثبت رسیدہ است. دوم، آقای فہشر بعنوان مدیر عامل لہنہات پاک درنامہ مورخ ۳ ژوئہ ۱۹۷۹ (۱۲ تیرماہ ۱۳۵۸) خطاب بہ وزارت امور اقتصادی و دارایی تقاضا می نماید کہ بہ لہنہات پاک اجازہ دادہ شود کہ معادل دلاری ۳۱٪ از سود اعلام شدہ در سال ۱۹۷۹ را بہ فورموسٹ منتقل نماید. سوم، از گزارش حسابرسی مالیات پردرآمد لہنہات پاک مربوط بہ سال ۱۹۷۹ چنین برمی آید کہ مالیات سود سهام آقای فہشر با نرخ متفاوتی - - کہ منطبق با مالکیت متفاوت این سهام است - - محاسبہ شدہ است. چهارم، فورموسٹ در جلسہ استماع اظہار داشت کہ روال معمول این بود کہ سود کل ۳۱٪ سهام طی یک فقرہ چک دریافت می گردید.

بعلاوہ، شرایط ویژہ این پروندہ ہر نوع نتیجہ گیری دیگری را غیرمنصفانہ و غیرمنطقی می نماید. اول، آقای فہشر، تنها فردی کہ می تواند مالک دیگر سهام مورد اختلاف باشد، در شہادتنامہ ای کہ در تائید ادعای فورموسٹ تسلیم داشتہ، متذکر می گردد کہ فورموسٹ مالک ۳۱٪ سهام لہنہات پاک بودہ است. دوم، فورموسٹ در جلسہ استماع اظہار داشت کہ آقای فہشر "وکالتنامہ" بدون تاریخی بابت "سهام" امضاء کردہ و طی آن بہ فورموسٹ اجازہ دادہ است کہ مالکیت ۹۱۰ سهم را در ہر زمانی کہ بخواہد بنام خود

انتقال دهد. سوم، در پرونده شماره ۱۰۷۵۵ که لپنیات پاک بدان اشاره نموده و عناصر آن نیز همان واقعیات پرونده‌های حاضر است، آقای فیشر دادخواستی تسلیم نموده که در آن فقط مالکیت ۱۶۱ سهم را ادعا می‌کند و او و فورموس همواره اظهار داشته اند که سهام شخصی وی در شرکت محدود به همین تعداد سهام بوده است. دیوان با توجه به تمام ملاحظات فوق نتیجه می‌گیرد که از نظر انصاف و از لحاظ پرونده‌های حاضر، می‌بایست فورموس فودز را بعنوان مالک حقیقی ۱٪ سهام لپنیات پاک که بنام آقای فیشر ثبت شده، دانست. بنابراین، فورموس حق اقامه دعوی بابت کل ۳۱٪ سهام را دارد.

(دو) خواندگان

از نظر صلاحیت دیوان نسبت به واحدهای خوانده، در این نکته اختلاف نیست که بانک مرکزی ایران مشمول تعریف "ایران" طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می‌شود. دیوان قبلاً نظر داده است که بنیاد مستضعفان نیز یک موسسه تحت کنترل دولت جمهوری اسلامی ایران است و بنابراین مشمول صلاحیت دیوان می‌گردد. رجوع شود به صفحات ۲۳ تا ۳۱ حکم شماره ۵۴-۳۴-۱ آی تی ال مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۵ (۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۴) در پرونده هایت اینترنشنال کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین.

در مورد سایر خواندگان باید گفت که سازمان مالی مشمول تعریف مقرر (در بیانیه) بودن خود را انکار نکرده و سوابق امر نیز حاوی مدارک قانع کننده‌ای دائر بر این است که واحد مزبور یک واحد دولتی می‌باشد. اساسنامه آن که به تصویب مجلس ایران رسیده مبین آنستکه وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی است و وزیر آن وزارتخانه ریاست جلسات مجمع عمومی آن را برعهده دارد. بعلاوه، نامه‌ای که بعنوان پیوست لایحه بعد از جلسه استماع لپنیات پاک به ثبت رسیده، نمایانگر آنستکه میان سهامی که سازمان مالی بعنوان نماینده کارگران و کشاورزان در لپنیات پاک داشته و سهام "متعلق به دولت" که

خود در تملک داشته از لحاظ مالیهاتی تفاوت وجود داشته است . بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که نسبت به سازمان مالی دارای صلاحیت است .

نی سی خود را مشمول تعریف "ایران" در بند ۳ ماده هفت بهانه حل و فصل دعوی نمی‌داند. ولی در تایید موضع خود مدرکی ارائه نداده، حال آنکه مدارک زیادی برخلاف آن وجود دارد. نی سی در سال ۱۹۷۵ بعنوان یک شرکت سهامی و ظاهراً بموجب قانون مربوط برای تشویق سرمایه گذاری در واحدهای تولیدی، تاسیس گردید. چهار بانک و دو شرکت بهمه سهامداران مؤسس این شرکت بودند. کلیه بانکهای ایران بموجب قانون ملی کردن بانکها در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۷۹ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸) و کلیه شرکتهای بهمه طبق قانون ملی کردن شرکتهای بهمه در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ (۴ تیرماه ۱۳۵۸) ملی اعلام شدند. در فهرست اسامی نه عضو هیئت مدیره این شرکت، اسامی چهار بانک و دو شرکت بهمه فوق به اضافه سه شخص حقیقی دیده می‌شود. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که نسبت به این خواننده صلاحیت دارد. آی.ام.بی. نیز به اعتبار ملی شدن کلیه بانکها که در ژوئن ۱۹۷۹ صورت گرفت، تحت کنترل دولت می‌باشد.

فهرست اسامی سهامداران لینیات پاک در پایان سال ۱۹۷۹ نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از سهام این شرکت بنام شرکت سرمایه گذاری بانکهای ملی ایران (نی بیگ) بوده است. بحثی نیست که آی ام بی، یعنی بزرگترین سهامدار نی بیگ کنترل امور آنرا در حدود ماه ژوئن ۱۹۷۹ در دست گرفت. بنابراین باید نتیجه گرفت که نی بیگ نهایتاً تحت کنترل دولت بوده است.

لینیات پاک خود نیز در این پرونده ها خواننده می‌باشد. مسئله تحت کنترل دولت ایران قرار داشتن یک شرکت از لحاظ صلاحیتی از مسئله مصادره شدن یا نشدن شرکت مزبور یا بخشی از آن متمایز است. باهیز مت . . . ت مدارک ذیربط عمدتاً هم حد و مرز باشند، ولی در ارزیابی آنها ملاحظات متفاوتی اعمال می‌شود.

دو شاخص عمده کنترل دولتی یک شرکت، عبارتند از هویت سهامداران و ترکیب و رفتار هیئت مدیره آن که می بایست تواما* مورد بررسی قرار گیرند. صورت اسامی سهامداران لهنیات پاک در دسامبر ۱۹۷۹ و دسامبر ۱۹۸۰ که از گزارش سالانه حسابرسان این شرکت استخراج شده، نشان می دهد که ۳/۶٪، ۱۰٪، ۸/۳٪، ۹/۵٪ و ۹/۶٪ سهام لهنیات پاک به ترتیب متعلق به آی ام بی، نی بیگ، نی سی، بنیاد مستضعفان و سازمان مالی بوده است. پس واحدهای تحت کنترل، مستقیما* مالک ۴۱٪ سهام لهنیات پاک بوده اند.

۱۱٪ دیگر از سهام بنام کارگران و کشاورزان است که از سازمان مالی خریداری کرده اند. بنابراین، باید معلوم کرد که آیا عملا* حقوق این سهام از طریق سازمان مالی اعمال می شده است یاخیر. سهام مذکور که بنام کارگران و کشاورزان ثبت شده، سهامی است که بموجب قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸ به سهامداران مزبور منتقل شده است. اما سازمان مالی که در هر مورد بهای سهام خریداری شده را وام داده بود طبق قراردادهای انفرادی خرید* وکالت غیرقابل عزل* حق رای سهام و منظور نمودن سود سهام به حساب وام پرداختی تا استهلاك آن را برای خود حفظ نمود. فقط خریدارانی که بهای سهام را نقدا* پرداخته بودند حق رای خود را حفظ کردند، ولی بنظر می رسد که تنها عده قلیلی بهای سهام را نقدا* پرداخت کرده بودند. بنابراین، دیوان نتیجه می گیرد که این ۱۱٪ از سهام لهنیات پاک عملا* در کنترل سازمان مالی بوده و نتیجتا* جمع سهام سازمانهای دولتی تقریبا* به ۵۲٪ بالغ می گردد.

حتی اگر اکثریت سهام از نظر کنترل شرکت قطعیت نداشته باشد، واضح است که در زمانی طی سال ۱۹۸۰، واحدهای تحت کنترل هفت کرسی را در هیئت مدیره اشغال کرده و بر امور شرکت تسلط یافتند. بعنوان مثال صورتجلسه* مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده* مورخ ۲۵ آبان ماه ۱۳۵۹ (۱۶ نوامبر ۱۹۸۰) حاکی است که در آن جلسه تصمیمی اتخاذ گردیده مبنی براینکه از آن پس هیئت مدیره مرکب خواهد بود از دکتر عاملی و آقای کرپاسی هر دو از اعضای سازمان مالی، آقای وحدتی عضو فورموست شیر، دو نماینده از

طرف نی بیک و یک نماینده از هر یک از آی ام بی و بنهاد مستضعفان. بنابراین شش کرسی از تعداد هفت کرسی تحت کنترل دولت بوده است. مالکیت اکثریت سهام و کنترل هیئت مدیره تواما^۲ ثابت می کنند که لجنات پاک یک^۳ واحد تحت کنترل دولت ایران^۴ در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی است و در نتیجه، یک خواننده مناسب دعاوی فورموست می باشد که اکنون در دیوان مطرح است.

سوم) قید انتخاب مرجع رسیدگی

یک مسئله دیگر صلاحیتی آنستکه آیا شرط حل و فصل اختلاف که در قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی ایران، مصوب ۱۹۵۵ پیش بینی شده آنطور که خوانندگان استدلال می‌کنند طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی سالب صلاحیت دیوان است یا خیر، که بموجب آن :

"ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصاً^۵ رسیدگی به دعاوی مربوط تنها در صلاحیت دادگاههای صالحه ایران در پاسخ بموضع مجلس باشد"

را از صلاحیت دیوان خارج می کند. ماده ۳ قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی بنوبه خود مقرر می دارد که سرمایه هائی که مطابق این قانون به ایران وارد می شود "مشمول حمایت قانونی دولت" می گردد. همین ماده در مواردی که از صاحب سرمایه‌ای با وضع "قانون خاصی" سلب مالکیت شود "جبران عادلانه" خسارت وارده را تضمین می‌کند. و نیز مقرر می دارد که "در صورت بروز اختلاف، رسیدگی به ادعای جبران عادلانه خسارت وارده‌ای که دولت آنرا تضمین می کند در محاکم صلاحیتدار ایران به عمل می‌آید."

بنظر دیوان بحث خواننده باید مردود شناخته شود. دعاوی مطروحه در دیوان مربوط به یک صادره است، ولی بر ادعاهائی دائر بر یک سلسله اقدامات دولتی که سرانجام به سطح صادره رسیده است مهتنی می باشد. این ادعا نشده است که هیچ "قانون خاصی" حقوق مالکیت فورموست را سلب کرده باشد. بعلاوه، هر چهار شرکت فورموست که در لجنات

بعنوان سهامدار است. فورموست این موارد را مشخصاً به شرح زیر اعلام می دارد: اخراج کارکنان خارجی آن از ایران، امتناع از پرداخت سود سهام به فورموست از سال ۱۹۷۹، عزل آقای فیهسر از هیئت مدیره و دخالت در ارسال اطلاعات اولیه به فورموست. بنابراین سوآلی که برای دیوان مطرح است آنستکه آیا اثر جمعی فعل یا ترک فعلهای ادعائی یا در واقع، اثر هر یک از آنها برای محروم ساختن فورموست از حقوق بنیانی او بعنوان مالک ۳۱٪ از سهام لهنیات پاک کافی بوده است یا خیر.

ادعای فورموست را می بایست با توجه به سابقه سرمایه گذاری آن و شرکتش در مدیریت لهنیات پاک همراه با تحولاتی که بعداً رخ داده، بررسی کرد. سرمایه گذاری اولیه در سال ۱۹۵۹ انجام گرفت و همانطور که قبلاً ملاحظه گردید در مقدار سهام فورموست بعداً نوساناتی ایجاد شد. آقای فیهسر در شهادت نامه خود اظهار داشته که سهام فورموست در سال ۱۹۷۶ از ۵۱٪ به ۳۱٪ یعنی سهام اقلیت، تقلیل یافت و نتیجتاً حق تعیین مدیرعامل را از دست داد، گو اینکه آقای فیهسر تا زمان عزیمتش از ایران در نوامبر سال ۱۹۷۹ همچنان در این سمت باقی ماند. جانشین وی آقای اصغری که تا سپتامبر ۱۹۸۰ بعنوان مدیرعامل انجام وظیفه می کرد یکی از اعضاء هیئت مدیره بود که قبلاً نمایندگی یکی از سهامداران خصوصی موسوم به شرکت تکنیساز را برعهده داشت.

مقایسه سهامداران لهنیات پاک در سال ۱۹۷۶ با فهرست اسامی سهامداران در پایان سال ۱۹۷۹ نشان می دهد که با تعلق ۳۰٪ از سهام لهنیات پاک به موسسات دولتی شرکت دولت در لهنیات پاک حتی در سال ۱۹۷۶ بسیار محسوس بوده است. سازمان مالی ۲۱٪ و نی سی ۹٪ سهام را در دست داشتند. ولی بعد از ژوئن ۱۹۷۹، یعنی بعد از آنکه سهام سهامداران خصوصی به دست موسسات تحت کنترل دولت افتاد، تغییر عمده ای در توازن مالکیت پدید آمد و میزان سهام واحدهای مزبور را به حدود ۵۲٪ افزایش داد.

ایفای نقش عمده سازمان مالی در امور لهنیات پاک از اکتبر ۱۹۷۹ آغاز گردید. در ۱۴

اکتبر ۱۹۷۹ (۲۲ مهر ماه ۱۳۵۸) دکتر عاملی و آقای کرباسی دو نماینده سازمان مالی به عضویت هیئت مدیره انتخاب شدند و پس از آن تاریخ است که می توان در روش هیئت مدیره گرایش نهرومند و انعطاف ناپذیر در جهت اجرای سیاستهای دولت نوین یافت. تا آن تاریخ، فورموست در امور شرکت از موقعیتی موثر برخوردار بود و حتی بدنال از دست دادن اکثریت سهام باز بخاطر ارائه کمک فنی و مدیریت طی چندین سال و نفوذ آقای فیشر در مقام مدیرعامل، این موقعیت موثر را حفظ می نمود. اما، از آن تاریخ به بعد نفوذ فورموست رو به زوال نهاد.

میزان سهام فورموست در آن زمان حق انتصاب مدیرعامل را به این شرکت نمی داد. به بدنال استعفای آقای فیشر در نوامبر ۱۹۷۹، پست مدیریت عامل در جلسه مورخ ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۵ نوامبر ۱۹۷۹) هیئت مدیره به همکار قدیمی وی آقای اصغری واگذار شد. هیئت مدیره * پس از تشکر از مساعی چندین ساله آقای فیشر در مقام مدیریت عامل* استعفای وی را پذیرفت. فورموست از طریق آقای فیشر که وکیلی از طرف خود معین نمود و آقای نیل دینات به نمایندگی از جانب فورموست شهر، دو کرسی خود را در هیئت مدیره، حفظ نمود. در صورتجلسه نشست مذکور قهد شده که دکتر عاملی یادداشتی به صورتجلسه ضمیمه و طی آن توصیه کرده است که کلیه " قراردادهای خارجی " که لهنیات پاک منعقد ساخته می بایست مورد "تجدید نظر" قرار گرفته و پرداخت دیگری در رابطه با آنها انجام نگیرد.

بدنحال آن جلسه هیئت مدیره به ریاست آقای حقشناس عضو آی ام دی بی آی در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ (۱۷ فوریه ۱۹۸۰) بمنظور بحث پیرامون حسابهای سال و تصمیم گیری در مورد توزیع سود شرکت در محل سازمان مالی تشکیل گردید. دکتر عاملی از طرف سازمان مالی پیشنهاد کرد که "حداقل سود قانونی به سهامداران پرداخت شود و مانده آن بمنظور ایجاد اندوخته ای جهت بازخرید خدمت* به کارگران شرکت اختصاص یابد. در آن جلسه پیشنهاد بازخرید خدمت که براساس توصیه حسابرس لهنیات پاک مطرح شده بود به

تفصیل مورد بحث قرار گرفت. آقای وحدتی که بعنوان وکیل هر دو مدیر فورموست عمل می کرد در این جلسه حضور نداشت. اما در جلسه بعدی که در تاریخ ۱۹ اسفند ماه ۱۳۵۸ (۱۰ مارس ۱۹۸۰) به ریاست آقای حقشناس در دفتر دکتر عاملی تشکیل گردید و طی آن همان بحث دنبال شد، شرکت نمود. در آن جلسه تصمیم گرفته شد که اندوخته‌ای جهت بازخرید خدمت بوجود آید. دنباله بحث مربوط به سود سهام در صورتجلسه بدین شرح آمده است که:

"نمایندگان سازمان مالی... نظر داشتند که حداقل سود بین صاحبان سهام تقسیم شود و بقیه به حساب اندوخته شرکت منظور گردد و سهام جایزه‌ای نیز داده نشود و دلیل ایشان برای این امر وجود سهامداران خارجی در شرکت می بود و بدین ترتیب مایل بودند و جوهی که به آنان تخصیص می یابد در حداقل باشد."

یکی از عواملی که در تعیین سود سهام در مد نظر قرار داشت عبارت بود از:

"سود حاصل شده در شرکت بهر حال در حدود قوانین و مقررات جاری متعلق به شرکت است و صاحبان سهام به نسبت سرمایه خود در آن ذیحق می باشند لذا صرف تقسیم نقدی - یا دادن سهام جایزه یا نگاهداشتن قسمتی از سود به صورت سود تقسیم نشده در شرکت تغییری از لحاظ اصولی در حق صاحبان سهام نسبت به سود تحصیل شده نمی دهد بخصوص که پرداخت به سهامداران خارجی به علت اختلافات موجود بین دولتهای ایران و آمریکا فعلاً معلق است." (تاکید اضافه شده است) .

در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ (۱۵ آوریل ۱۹۸۰) تقسیم سود به صورت ۱۸٪ نقد و ۱۰٪ سهام جایزه‌ای اعلام گردید.

واقعه مهم بعدی زمانی رخ داد که فورموست طی نامه مورخ ۲۱ مه ۱۹۸۰ (۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) از آقای اصغری تقاضا کرد که سود سهام قابل پرداخت به شرکتهای فورموست به مبلغ ۲۹۰۸۶۴۰۲۸۰ ریال به حساب بانکی جداگانه ای به نام فورموست - مک کسون افتتاح و واریز نمایند. آقای اصغری طی تلکس مورخ ۶ خرداد ماه ۱۳۵۹ (۲۷ مه ۱۹۸۰) بشرح زیر پاسخ داد:

"باید به اطلاع شما برسانم که بعلت تصمیم و دستور هیئت مدیره،

لبنیات پاک نمی تواند هیچگونه مبلغی به هیچ عنوانی به صاحبان سهام خارجی پرداخت نماید. بنابراین نمی توانم نسبت به درخواست شما هیچگونه اقدامی بعمل آورم.

درخواست فورموسست جهت تایید کتبی این تصمیم بلاجواب ماند. با وجود اینکه لبنیات پاک در طول مدافعات خویش این تلکس را غیرمجاز خوانده، در واقع تلکس مزبور هیچگاه بطور مشخص مورد انکار قرار نگرفته است. معذک، لبنیات پاک طی تلکسهای مورخ ۶ مهر ماه ۱۳۶۰ (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۱) و ۲۰ آبان ماه ۱۳۶۰ (۱۱ نوامبر ۱۹۸۱) اعلام آمادگی کرد که سود سهامی را که می گفت در دفاتر لبنیات پاک بحساب بستانکار فورموسست منظور گردیده، به ریال پرداخت نماید.

بررسی شرایط موجود در ۲۷ مه ۱۹۸۰ (۶ خرداد ماه ۱۳۵۹) یعنی روزی که فورموسست مدعی است اقدامات سهامداران دولتی لبنیات پاک به صورت گرفتن متبلور گردید، نشان می دهد که سود سهام دو سال که یکی از آنها فقط یک ماه قبل اعلام شده بود، پرداخت نشده است. حال آنکه، فورموسست هنوز مالک ۳۱٪ سهام بوده، هنوز دو کرسی در هیئت مدیره داشت و اعمال حقوق خود را در این مورد از طریق حضور آقای وحدتی ادامه می داد. فورموسست بعنوان یک سهامدار اقلیت نمی بایست انتظار می داشت بتواند با روشی که اکثریت در اتخاذ تدابیری هم آهنگ با سیاست های دولت جدید انقلابی پیش گرفته بودند، پیروزمندانه مخالفت کند. تنها اقدام اکثریت که به وضوح علیه منافع فورموسست انجام گرفته و می بایست دولت را در آن باره مسئول شناخت، ممانعت و جلوگیری از پرداخت سود سهام بود. اما با اینکه چنین اقدامی بمنزله دخالت مسلم در حقوق فورموسست است، معذک با توجه به ادامه مشارکت فورموسست در امور شرکت ولو بمیزان محدود این نکته نمی تواند فی نفسه بعنوان مصادره منافع فورموسست تعبیر گردد.

فورموسست تا ماه مه ۱۹۸۰ هنوز دو کرسی در هیئت مدیره داشت و ظاهراً بدون مواجهه با هیچگونه دخالتی به اعمال حقوق خود در این زمینه ادامه می داد.

نظر حقوقی می‌تواند بعنوان مصادره تلقی گشته و حقی برای دریافت خسارت بوجود آورد. اتخاذ چنین تصمیمی مستلزم آنستکه دیوان تعیین نماید که اقدامات انجام شده نه تنها آثار زیانبخش برای فورموست داشته بلکه از حدود اختیارات مشروع صاحبان اکثریت سهام لهنیات پاک و هیئت مدیره قانوناً "منتخب آن در اعمال حق خویش برای اداره امور شرکت و بطریقی که به نظر ایشان متضمن مصالح عالیه شرکت بوده، فراتر رفته است.

فورموست از سال ۱۹۷۶ صاحب اقلیت سهام بوده و دو کرسی از هفت کرسی هیئت مدیره لهنیات پاک را در اختیار داشته است. برای مدت هفت ماه یعنی از نوامبر ۱۹۸۰ تا ژوئن ۱۹۸۱ این نمایندگی به یک نفر تقلیل یافته ولی پس از آن تاریخ دو مدیر جدید از طرف فورموست انتخاب شدند. ادله‌ای موجود است که نشان می‌دهد که این دو مدیر "اسمی" صرف نبوده و تا موقعی که فورموست طی تلکس مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۸۱ (اول آبان ماه ۱۳۶۰) تصمیم به فراخواندن آنها گرفت، نقش فعالی در امور شرکت ایفاء می‌کردند. این نکته مهم است که فورموست تا این تاریخ مالکیت ۳۱٪ سهام خود را حفظ کرده است. هیچ سابقه‌ای در دست نیست که حاکی از کوششی برای مصادره سهام واقعی فورموست باشد.

تنها اقدام مهمی که از جانب ارکان کنترل کننده لهنیات پاک سرزده و هدف آن ظاهراً "تبعیض علیه فورموست بوده، ممانعت و جلوگیری از پرداخت سود سهام نقدی اعلام شده طی دو سال متوالی است. این مسئله تجاوز جدی به حقوق فورموست از نظر استفاده از عوائد سهام خود در لهنیات پاک می‌باشد. همچنین این تنها اقدام است که می‌تواند بدون شک و تردید به دولت منتسب گردد.

از نظر دیوان بین ادله توازن ظریفی وجود دارد. فورموست بمنظور توفیق در ادعای مصادره مطروح در دیوان باید ثابت کند که در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) ادعای پایرجائی داشته است (۶).

(۶) رجوع شود به زیرنویس شماره ۲ فوق .

دیوان در رابطه با عامل زمانی در موارد صادره قبلاً متذکر شده است :

"ادعای گرفتن در روز گرفتن ایجاد می شود. اما وقتی که سلب مالکیت ادعائی از طریق یک رشته مداخلات در استفاده از ملک انجام می شود، تخلفی که اسباب دعوی را تشکیل می دهد در روزی به وقوع می پیوندد که مداخله کم و بیش به محرومیت غیرقابل برگشت (قطعی) از ملک منتهی شود و نه در تاریخ شروع رویدادها. نقطه ای که دخل و تصرف به گرفتن منتهی می شود، بستگی به اوضاع و احوال پرونده داشته و مستلزم آن نیست که مالکیت قانونی منتقل شده باشد. (۷)

در مورد آنکه چه چیزی می تواند "کم و بیش محرومیت قطعی" تلقی گردد، بررسی قیود و شرایط عمومی بیمه نامه عادی اوپیک که خواهان ها تسلیم داشته اند آموزنده خواهد بود. ماده ۱۳-۱۱ شرایط آن "عمل صادره ای" را بطور کلی چنین تعریف می کند "هر عملی که مورد تجویز، تنفیذ یا اغماض دولت کشور محل پروژه، در طول مدت بیمه خواه با پرداخت یا بدون پرداخت خسارات آغاز، و به مدت یکسال مستقیماً باعث محرومیت: ... (ب) سرمایه گذار از اعمال موثر حقوق اصلی خود چه بعنوان سهامدار و چه بعنوان طلبکار در رابطه با "مؤسسه اقتصادی" (Enterprise) واقع در آن کشور گردد. ... (تاکید اضافه شده است).

پروفسور جی. سی. کریستی نحوه برخورد قانون را با مصادره ادعائی سرمایه گذاری خارجی بتفصیل بیان کرده و می نویسد:

"از بررسی پرونده ها و واقعیات اصلی آنها معلوم می شود که حق اداره مؤسسه اقتصادی توسط مالک، حتی است که کمترین مداخله موفقیت آمیز در آن به عمل می آید. با اینحال، حتی در اینجا نمی توان جزمیت نشان داد. این واقعیت که کارفرمای خارجی ناگهان مجبور شود که اتباع محلی را به عضویت هیئت مدیره خود بپذیرد، بنظر نمی رسد که این عمل فی نفسه منجر به مصادره گردد. همچنین به نظر نمی رسد که اگر مالک خارجی ملزم به پذیرش نمایندگان کارگران در هیئت مدیره گردد، مصادره ای انجام شده باشد. حتی ممکن است شرایطی بوجود آید که تحت آن کنترل اجرائی کاملاً از مالک خارجی گرفته شود بدون آنکه این عمل دولت را مسئول پرداخت "خسارات" بابت استفاده از آن بنماید. فرض کنیم که دولتی چند مؤسسه اقتصادی خارجی را به دست گرفت و با بصیرت آنها را اداره نمود و بازده عادلانه و شاید منافع واقعی مؤسسه اقتصادی را به صاحبان آن پرداخت کرد. احتمالاً، چنین عملی پس از گذشت مدت زمان کافی بمنزله مصادره خواهد بود،

(۷) صفحه ۴۹ حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶ مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵ (۶ آبان ماه ۱۳۶۴) در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکتز کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین.

اما شخص جرات نمی کند طول این مدت زمان را حدس بزند. هرگاه دولت قبلاً اعلام کند که ضبط اموال تا رفع شرایط اضطراری اقتصادی موجود بطول خواهد انجامید ولی بهیچوجه مثلاً از "پنج سال" تجاوز نخواهد کرد، در این صورت جای تردید است که یک خارجی بتواند شکایت کند که ملکش مصادره شده است. قرائن محکمی در دست است که حداقل در امریکا، تحت شرایط مشابه چنین ملکی را نمی توان مصادره شده تلقی کرد. تحت این شرایط ممکن است این سؤال پیش آید که آیا فرد خارجی می تواند ملک خود را در طول مدت ذکر شده انتقال داده و براین اساس مبادرت به حل اختلاف نماید. سردبیران آنرا به عنوان یک ضابطه ممکن پیشنهاد می نمایند. اما اگر مؤسسه اقتصادی به اندازه کافی بزرگ باشد از این ضابطه طرفی نمی توان بست زیرا بجز دولت خریداران احتمالی دیگر وجود نخواهد داشت.

Christie, What Constitutes a Taking of Property Under International Law?, 38 Brit. Y.B. Int'l L. 307, 333-34 (1962)

(پاورقی ها حذف شده است).

دیوان پس از بررسی کلیات ادله موجود در این پرونده ها به این نتیجه رسیده است که در مجموع مداخله در ماهیت حقوق فورموسست تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) منجر به مصادره نمی گردد و (چنین مداخله ای) تا ۲۷ مه ۱۹۸۰ (۶ خرداد ماه ۱۳۵۹) حتی کمتر هم بوده است.

بررسی اثر عزیمت کارکنان خارجی فورموسست از ایران نتیجه گیری فوق را تغییر نمی دهد. با آنکه عزیمت مذکور موجب کاهش استیفای فورموسست از حقوق خود شده در کیفیت اساسی این حقوق تاثیر نداشته است. در اینجا این نکته مهم است که پس از آنکه فورموسست در ماه اکتبر ۱۹۸۱ دو مدیر خود را فراخواند، لابیهای پاک در پاسخ آن طی تلکس مورخ ۲۰ آبان ماه ۱۳۶۰ (۱۱ نوامبر ۱۹۸۱) پیشنهاد کرد که استعفا را مسترد داشته و مدیران جدیدی تعیین نماید. همچنین باید در نظر داشت که فورموسست وجود هیچگونه محدودیت قانونی نسبت به حق فروش یا انتقال سهام خود را ثابت نکرده، و در گزارش استاندارد ریسرچ کانسالتنس ذکری از چنین محدودیت نشده است. حال آنکه گزارش نتیجه می گیرد که در ۲۷ مه ۱۹۸۰ (۶ خرداد ماه ۱۳۵۹)، ارزش عادلانه بازار مؤسسه

باشد.

این دخالت، قابل انتساب به دولت ایران یا سایر ارکان دولتی ایران، در حالی که بحد مصادره نمی رسد باعث ایجاد حقی برای عدم استیفاء از ملک مورد بحث می گردد.

دیوان همچنین قائم شده است که ادعای مصادره فورموست باید شامل ادعائی بابت مداخله خفیف تری در حقوق وی تلقی شود.

لبنیات پاک موظف بود و هست که سود سهام اعلام شده را به کلیه سهامداران خود بپردازد. دیوان در مواجهه با این تخلف آشکار لبنیات پاک از انجام وظیفه خود که به صورت جلوگیری از پرداخت سود سهام نقدی اعلام شده قابل پرداخت به فورموست در ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ بوده، مقرر می دارد که مداخله از نوع مداخله ای است که در فوق توصیف شده و مبلغ سود سهام مزبور معادل میزان صحیح خسارت قابل پرداخت توسط دولت است.

بنابراین فورموست مستحق دریافت ۴۲۳،۷۵۸ دلار بعنوان سود سهام نقدی اعلام شده در ۱۹۷۹ و ۴۷۹،۰۷۷ دلار بعنوان سود سهام نقدی اعلام شده در ۱۹۸۰ می باشد. از سوابق پرونده چنین پیداست که این ارقام خالص بوده و مالیات از آنها کسر شده است.

فورموست در لوایحی که به دیوان تسلیم نموده ادعای خود را به دلار ذکر کرده است. چه در لوایح و چه در جلسه استماع بحثی درباره صحت این ارقام به میان نیامده است. بنابراین، دیوان محاسبات پیشنهادی خواهان در این پرونده ها را می پذیرد.

سود سهام به ترتیب در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۸ (۱۵ آوریل، ۱۹۷۹) و ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ (۱۵ آوریل، ۱۹۸۰) اعلام شد. طبق ماده ۵۷ اساسنامه لبنیات پاک، سود سهام

می‌بایست "طرف چهار ماه پس از تصویب مجمع عمومی" پرداخت شود. از این رو دو فقره سود سهام مذکور به ترتیب در ۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۸ (۱۵ اوت ۱۹۷۹) و ۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۹ (۱۵ اوت ۱۹۸۰) واجب‌الادا شد. بابت سود سهام اول فورموست حق دارد از تاریخ ۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۸ (۱۵ اوت ۱۹۷۹) و بابت سهام دوم از نهم مهرماه ۱۳۵۹ (اول اکتبر ۱۹۸۰)، یعنی روزی که بهره از آن تاریخ ادعا شده، بهره دریافت کند.

به نظر دیوان داوری صدور حکمی برای پرداخت بهره به نرخ ۱۰٪ در سال بابت مهالفی که در این پرونده ها قابل پرداخت تشخیص داده شده، منطقی می باشد.

از تقسیم دو فقره سود سهام بین چهار شرکت فورموست به نسبت سهام متعلقه به هر یک از آنها ارقام زیر حاصل می شود:

الف) سود سهام اعلام شده در سال ۱۹۷۹

فورموست تهران	(۱۰٪)	۱۳۶،۶۹۶/۱۳ دلار آمریکا
فورموست شهر	(۱۰٪)	۱۳۶،۶۹۶/۱۳ دلار آمریکا
فورموست ایران	(۱۰٪)	۱۳۶،۶۹۶/۱۳ دلار آمریکا
فورموست فودز	(۱٪)	۱۳،۶۶۹/۶۱ دلار آمریکا

ب) سود سهام اعلام شده در سال ۱۹۸۰

فورموست تهران	(۱۰٪)	۱۵۴،۵۴۰/۹۷ دلار آمریکا
فورموست شهر	(۱۰٪)	۱۵۴،۵۴۰/۹۷ دلار آمریکا
فورموست ایران	(۱۰٪)	۱۵۴،۵۴۰/۹۷ دلار آمریکا
فورموست فودز	(۱٪)	۱۵،۴۵۴/۰۹ دلار آمریکا

فورموسست مدعی است که اجاره بهای ماهانه ماشینها پس از ۳۰ مه ۱۹۷۹ (۹ خرداد ماه ۱۳۵۸) پرداخت نگردیده و پس از ثبت ادعا اجاره بهای پایه به آخرین قرارداد از چهار فقره قرارداد و اجاره بهای تولید به هر چهار ماشین کماکان تعلق می گرفت.

در ۵ نوامبر ۱۹۸۰ (۱۴ آبان ماه ۱۳۵۹) هم فورموسست فودز و هم فورموسست - مک کسون طی نامه هائی تخلف لاینهات پاک را به وی اخطار و تقاضا کردند که طبق قراردادها یا مطالبات کلا پرداخت شود و یا ماشینها ظرف ۳۰ روز مسترد گردد. لاینهات پاک نه پاسخی به آن نامه ها داد و نه ماشینها را مسترد نمود.

فورموسست شهادتنامه سوزان مک کلاسی از اکس - سل - او کورپوریشن، سازنده ماشینها را به ثبت رسانده که عمر مفید هر ماشین را از تاریخ نصب ۱۲ سال برآورد کرده و برآن اساس ارزش ماشینها را تعیین نموده است. از طرف دیگر، لاینهات پاک منکر آنست که ماشینها بیشتر از ۵ سال دوام داشته باشد، هرچند که مدارکی در دست است که نشان می دهد این ماشینها بعد از این مدت همچنان مورد استفاده بوده است. لاینهات پاک به مدارک ارزیابی فورموسست اعتراض کرده و خواستار نصب کارشناس شده است. اما معترف است که اجاره پایه پنجساله ماشینها تا آنجا که تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) موعد تاءدیه آن رسیده، قابل پرداخت بوده است.

لاینهات پاک نه از طریق استدلال و نه با ارائه مدارک، دیوان را قانع نکرده است که قراردادها "تحمیلی" یا "یک طرفه" بوده اند. قصور لاینهات پاک در پرداخت اجاره بهای متعلقه یا استرداد ماشینها در صورت مطالبه نقض قرارداد محسوب می شود و فورموسست را محق به دریافت خسارت می نماید. اول آنکه فورموسست مستحق هر دو اجاره بهای پایه و تولیدی است که از بابت استفاده از ماشینها تا ۵ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۴ آذر ماه ۱۳۵۹) یعنی زمانی که لاینهات پاک تعهد به استرداد ماشین را داشت، واجب الاداء بوده است. از نظر سهولت کار، دیوان معتقد است که اجاره بها تا پایان دسامبر ۱۹۸۰ و

جبران ارزش ماشینها (به ذیل رجوع شود) در اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۹) قابل پرداخت بوده است. طبق جدولی که فورموسست بعنوان مدرک ارائه داده و این جدول مبتنی بر اطلاعاتی است که از لپنیات پاک دریافت شده اجاره پرداخت نشده تا آخر دسامبر ۱۹۸۰، بالغ بر ۱۱۲،۹۳۲/۹۰ دلار بوده است. فورموسست همچنین مستحق دریافت بهره بابت اجاره بها از تاریخهای مربوطه سررسید آنها است. بااینحال، دیوان از صدور حکم برای پرداخت اجاره بهای اضافی به مبلغ ۳۱،۸۰۷ دلار، که "مبتنی بر ارقام ادعائی تولید" است، خودداری می کند، چه فورموسست نه به حد کافی توضیحی در آن باره داده و نه بحد کافی این رقم را مستند کرده است. بنابراین، فورموسست فوڈز حق دارد مبلغ ۴۵،۲۶۳/۷۸ دلار بابت اجاره بهای ماشینهای QP ۵۰۸۸۶ و RPCF ۳۷۷۲، دریافت دارد، و فورموسست - مک کسون محق است که مبلغ ۶۷،۶۶۹/۱۲ دلار بابت اجاره بهای ماشینهای LQP ۵۱۰۲۶ و QM ۵۱۲۵۳ وصول نماید. علاوه بر آن، دیوان داوری رای به پرداخت بهره به فورموسست فوڈز بابت اجاره بهائی که در دو قسمت به وی قابل پرداخت می باشد، می دهد: اول، مبلغ ۳،۹۸۵/۶۹ دلار، معادل ۱۰٪ بهره اجاره بهای پرداخت نشده از تاریخ سررسیدهای مربوط تا ۱۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۰ دی ماه ۱۳۵۹)، و دوم ۱۰٪ بابت ۴۵،۲۶۳/۷۸ دلار، یعنی کل اجاره بهای پرداخت نشده که از تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۰ دی ماه ۱۳۵۹) طلب فورموسست فوڈز می باشد. بهمین ترتیب، دیوان داوری رای به پرداخت بهره به فورموسست - مک کسون بابت اجاره بهای قابل پرداخت به وی، به مبلغ، اول ۵،۲۰۹/۲۴ دلار برابر ۱۰٪ بهره اجاره بهای پرداخت نشده از سررسیدهای مربوط تا تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۰ دی ماه ۱۳۵۹)، و دوم، ۱۰٪ بابت مبلغ ۶۷،۶۶۹/۱۲ دلار یعنی کل اجاره بهای پرداخت نشده که از تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۰ دی ماه ۱۳۵۹) طلب فورموسست - مک کسون می باشد.

دوم، به نظر دیوان تحت شرایط پرونده حاضر فورموسست مستحق دریافت ارزش ماشینهای - باشد. کارشناس فورموسست که کارمند شرکت سازنده ماشینها است، ارزش چهار ماشین مورد اجاره را ۳۳۱،۵۹۵/ - دلار برآورد کرده است. این رقم، هر چه هست، رقمی

است محافظه کارانه، چه در شهادتنامه قید شده که این رقم ارزش "فعلی" ماشینهاست که تصور می رود منظور تاریخ تسلیم شهادتنامه در سال ۱۹۸۳ باشد. علاوه بر آن، آقای فیشر در شهادتنامه خود می نویسد که ماشینها هنگام عزیمت وی از ایران در شرایط کاری خوبی قرار داشتند. با آنکه ماشینها در اختیار لهنیات پاک بوده و در نتیجه بهتر از فورموست می توانسته وضع آنها را ارزیابی کند، معذک ادله معارضی در مورد ارزش ماشینها ارائه نداده است. دیوان با پذیرفتن مدارک مربوط به تعیین ارزش فورموست که در واقع مورد مخالفت قرار نگرفته، حکم به پرداخت مبلغ ۳۳۱،۵۹۵ دلار به اضافه ۱۰٪ بهره از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۹) برای جبران خسارات ناشی از قصور لهنیات پاک در استرداد ماشینها صادر می کند. از اصل مبلغ ۱۳۲،۰۵۵ دلار بابت ماشینهای ۵۰۸۸۶ QP و ۳۷۷۲ RPCF به فورموست فودز و ۱۹۹،۵۵۰ دلار بابت ماشینهای ۵۱۰۲۶ LQP و ۵۱۲۵۳ QM به فورموست - مک کسون قابل پرداخت است.

بخش سوم پرونده ۲۳۱ مربوط به یک قرارداد کمک فنی است (تی ا ا) که بین فورموست - مک کسون و لهنیات پاک در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۷۰ (۳۰ آذرماه ۱۳۴۹) منعقد شده است. فورموست مدعی ۱۵۷،۰۱۳/۷۰ دلار به اضافه بهره متعلقه بابت مبالغ مختلف صورتحساب شده و اجازه استفاده از علامت تجاری است. این ادعا به چهار بخش جداگانه تقسیم شده که دیوان به ترتیب آنها را مورد بررسی قرار می دهد:

(الف) صورتحسابهای مربوط به لوازم، مواداولیه، و قطعات یدکی ماشین آلات به مبلغ

دلار ۱۲،۹۸۱/۹۲

فورموست - مک کسون صورتحسابهای موهبید این قلم از ادعا را تسلیم داشته و لهنیات پاک مشخصاً بدان اعتراض نکرده است. بنابراین، صورتحسابهای مزبور تماماً پذیرفته می شود.

(ب) اجازه استفاده از علامت تجاری بابت سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ به میزان سالانه

۷۵۰۰ دلار جمعا* ۱۵۰۰۰۰ دلار

با آنکه لپنیات پاک ادامه استفاده از علامت تجاری فورموست را تکذیب می نماید معذک قرارداد کمک فنی که طبق آن سالانه مبلغ ۷۰۵۰۰ دلار بابت حق الامتیاز به فورموست قابل پرداخت بود، تا ۲۰ دسامبر ۱۹۸۰ (۲۹ آذر ماه ۱۳۵۹) به قوت خود باقی بود. بنابراین، نظر دیوان این است که حق الامتیاز مربوط به سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ قابل پرداخت است.

(ج) حقوق و مزایای کارمندان استخدامی لپنیات پاک ۸۴،۱۹۶/۸۷ دلار

لپنیات پاک طبق قرارداد کمک فنی حقوق کارمندان فورموست را که برای لپنیات پاک کار می کردند به فورموست پرداخت می نمود. ادعای حاضر به سه کارمند - - آقای فیشر، آقای لوی شینگر، و آقای کارلسون، سرپرست کارخانه - - مربوط است .

صورتحسابهای مربوط به آقای فیشر اکثرا* مربوط به اوقاتی در طول سال ۱۹۷۹ می باشد که نامبرده در خارج از ایران بسر می برده ولی طبق صورتحسابها، وی "خدمات مدیریت برای لپنیات پاک انجام می داده است." با آنکه مدرکی در دست نیست که نشان دهد خدمات مزبور چه بوده و چه نفعی از آنها عاید لپنیات پاک می شده است، بحث نیست که آقای فیشر در سال ۱۹۷۹ سه بار به ایران سفر کرده است . آقای فیشر هنگام مبادرت به این سفرها که جمعا* چند ماه طول کشید، هنوز مدیرعامل لپنیات پاک و عضو هیئت مدیره آن بود. در نبود مدارک دقیق تر، به نظر دیوان منطقی است که حکم به پرداخت حقوق و مخارج به مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار و نیز به پرداخت کرایه هواپیما جمعا* به مبلغ ۳،۱۰۳ دلار صادر گردد.

به نظر دیوان مهالغ مورد ادعا در ارتباط با آقای کارلسون و لوی شینگر به حد کافی توضیح یا مستند نشده و بنابراین مردود شناخته می شوند.

(د) هزینه های حمل و نقل وسائل آقای فیشر و آقای لوی شینگر به مبلغ
۴۴،۸۳۴/۹۱ دلار

فورموست - مک کسون صورتحسابهایی در تائید این قلم از ادعای خویش تسلیم کرده که مورد اعتراض لهنیات پاک قرار نگرفته است. بنابراین دیوان پرداخت این مبلغ را منطقی می شمارد.

بنابراین کل مبلغ قابل پرداخت به فورموست - مک کسون طبق قرارداد کمک فنی ۸۵،۹۱۹/۸۳ دلار است. به نظر دیوان منطقی است که به اقلام بخش سه بهره ای به نرخ ۱۰٪ از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۹) تعلق گیرد.

حکم مربوط به بخشهای دوم و سوم پرونده شماره ۲۳۱ مبتنی بر تعهدات قراردادی است که فقط لهنیات پاک در قبال آنها مسئولیت دارد. در رابطه با دعاوی مزبور حکمی علیه هیچیک از خواندگان دیگری که نامشان ذکر شده صادر نگردیده است.

د - هزینه ها

هریک از طرفین هزینه های خود را متقبل خواهد شد.

سوم - حکم

بدلائل پیش گفته،

دیوان حکم زیر را صادر می کند:

۱ - ادعای فورموسست تهران، اینک، فورموسست شهر، اینک، فورموسست ایران کورپ، و فورموسست فودز، اینک، بابت مصادره سهام خود در لهنیات پاک مردود شناخته می شود.

۲ - خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد است که در رابطه با دو فقره سود سهام پرداخت نشده:

(الف) مبلغ دویست و نود و یک هزار و دویست و سی و هفت دلار آمریکا و ده سنت (۲۹۱،۲۳۷/۱۰ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) نسبت به ۱۳۶،۶۹۶/۱۳ دلار آمریکا از ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۸) و نسبت به ۱۵۴،۵۴۰/۹۷ دلار آمریکا از اول اکتبر ۱۹۸۰ (۹ مهر ماه ۱۳۵۹) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر می کند، به خواهان فورموسست تهران، اینک. پرداخت نماید.

(ب) عین مبلغ مذکور در بند (الف) فوق به اضافه عین مبلغ بهره ای که در همان بند فرعی ذکر شده است به خواهان فورموسست شهر، اینک. پرداخت نماید.

(ج) عین مبلغ مذکور در بند (الف) فوق به اضافه عین مبلغ بهره ای که در همان بند فرعی ذکر شده است به خواهان فورموسست ایران کورپ. پرداخت نماید.

(د) مبلغ بیست و نه هزار و یکصد و بیست و سه دلار آمریکا و هفتاد سنت (۲۹۰،۱۲۳/۷۰ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) نسبت به ۱۳۰،۶۶۹/۶۱ دلار آمریکا از تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۸) و نسبت به ۱۵۰،۴۵۴/۰۹ دلار آمریکا از تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۰ (۹ مهر ماه ۱۳۵۹) لغایت

تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر می- کند، به خواهان فورموسست فودز، اینک. پرداخت نماید.

۳ - در رابطه با ادعاهای قراردادی، خوانده شرکت سهامی لینیات پاستوریزه پاک متعهد است مبلغ یکصد و هشتاد و یک هزار و سیصد و چهار دلار آمریکا و چهل و هفت سنت (۱۸۱۰۳۰۴/۴۷ دلار آمریکا) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) نسبت به -/۱۳۲۰۰۵۵ دلار آمریکا از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۹) و نسبت به ۴۵۰۲۶۳/۷۸ دلار آمریکا از ۱۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۰ دی ماه ۱۳۵۹) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند، به خواهان فورموسست فودز، اینک. پرداخت نماید.

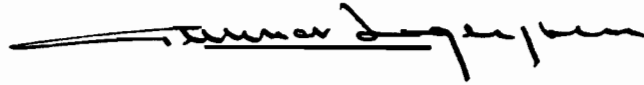
۴ - در رابطه با ادعاهای قراردادی، خوانده شرکت سهامی لینیات پاستوریزه پاک متعهد است مبلغ سیصد و پنجاه و نه هزار و سی و یک دلار آمریکا و نوزده سنت (۳۵۹۰۰۳۱/۱۹ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) نسبت به ۲۸۵۰۴۵۹/۸۳ دلار آمریکا از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۹) و نسبت به ۶۷۰۶۶۹/۱۲ دلار آمریکا از ۱۰ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۰ دی ماه ۱۳۵۹) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر می کند، به خواهان فورموسست - مک کسون اینک. پرداخت نماید.

۵ - هریک از طرفین هزینه های مربوط به خود را متقبل خواهد شد.

این تعهدات با پرداخت از حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بهانه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر اسقاط خواهد شد.

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می گردد.

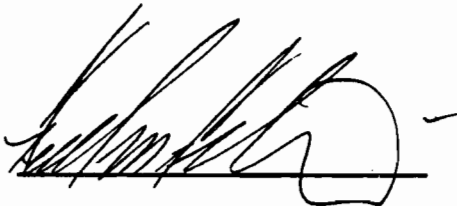
لاهور، بتاريخ ۱۰ آوريل ۱۹۸۶ (۲۱ فروردين ماه ۱۳۶۵)



گونار لاگرگرن

رئيس شعبه يك

بنام خدا



هوارد ام. هولتزمن



کورش - حسين عاملی

- ۱ - مخالف با رد دعاوی مصادره.
 - ۲ - الحاق به منظور حصول اکثریت در مورد اجابت دعاوی مربوط به دوفقره سود سهام پرداخت نشده.
 - ۳ - الحاق به منظور تشکیل اکثریت در مورد اجابت دعاوی قراردادی.
 - ۴ - مخالف با عدم پرداخت هزینه ها به خواهانها.
 - ۵ - الحاق به حکم صرفاً به منظور حصول اکثریت در مورد پرداخت فقط ۱۰٪ بهره.
- رجوع شود به صفحات ۳ و ۴ نظر جداگانه اینجانب در ارتباط با حکم شماره ۱-۱۱۱-۱۹۴ مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۸ مهرماه ۱۳۶۴) در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز، اینک. و شرکت ملی صنایع مس ایران.

رجوع شود به نظر جداگانه.

- ۱- الحاق به منظور حصول اکثریت در رد دعاوی مصادره.
- ۲- موافق با اجابت دعاوی مربوط به دوفقره سود سهام پرداخت نشده و مخالف با پاراگراف فرعی ۲ (د) عبارت حکم.
- ۳- مخالف با اجابت ادعاهای قراردادی.
- ۴- الحاق به منظور حصول اکثریت در مورد هزینه ها.
- ۵- مخالف با حکم در مورد بهره.
- ۶- مخالف با وجود صلاحیت دیوان نسبت به بعضی از دعاوی و اطراف پرونده. چون اکثریت به این نتیجه رسیده است که چنین صلاحیتی وجود دارد، اینجانب در چند مورد شرکت جسته و درماهیت آن موارد رای داده ام.

رجوع شود به نظر جداگانه.